

## گزارش همایش «مطالعات منطقه‌ای، بنیادهای نظری و کاربرد آن برای ایران» ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸

مهدی متین جاوید\*

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۹ - تاریخ تصویب: ۸۸/۳/۱۸)

چکیده:

نخستین همایش مطالعات منطقه‌ای با عنوان «مطالعات منطقه‌ای، بنیادهای نظری و کاربرد آن برای ایران» در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ با تلاش گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با همکاری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و گروه پژوهشی اوراسیای مرکزی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش یک-روزه که طی چهار نشست برگزار شد، سخنرانان مقالات خود را تحت عناوین و موضوع‌های مختلف با محورهای بنیادهای نظری مطالعات منطقه‌ای، آموزش و پژوهش مقایسه‌ای مطالعات منطقه‌ای، تحولات محیط منطقه‌ای ایران و سیاست منطقه‌ای ایران ارائه کردند.

واژگان کلیدی:

مطالعات منطقه‌ای - تحولات نظری - منطقه‌گرایی - پژوهش مقایسه‌ای - سیاست منطقه‌ای - ایران

نخستین همایش مطالعات منطقه‌ای با عنوان "مطالعات منطقه‌ای، بنیادهای نظری و کاربرد آن برای ایران" با تلاش گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با همکاری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و گروه پژوهشی اوراسیای مرکزی، در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ در تالار شیخ مرتضی انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. این همایش یک روزه که با استقبال پژوهشگران و دانشجویان مواجه شد، در چهار نشست با محورهای **بنیادهای نظری مطالعات منطقه‌ای، آموزش و پژوهش مقایسه‌ای مطالعات منطقه‌ای، تحولات منطقه‌ای ایران و سیاست منطقه‌ای ایران** سازمان یافته بود.

در بخش افتتاحیه پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید و پخش سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران، ابتدا دکتر عباس کریمی ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی طی سخنان کوتاهی با خوش آمدگفتن به میهمانان، اساتید و پژوهشگران شرکت کننده در همایش، آن را گامی مثبت در جهت معرفی رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای ارزیابی کرد. سپس دکتر الهه کولایی مدیر گروه مطالعات منطقه‌ای و دبیر علمی همایش به ایراد سخنرانی پرداخته و گزارش خود را ارائه کرد. وی با تشکر و قدردانی از اعضای کمیته‌ی علمی و همراهی استادان و پژوهشگران، با ذکر اهداف همایش، به گسترش دانش مطالعات منطقه‌ای و بهره‌گیری از آن برای پاسخ به نیازها و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و این همایش را فرصت مغتنم و ارزنده‌ای برای بحث و بررسی اندیشمندان و دست‌اندرکاران این عرصه دانست. دکتر کولایی با اشاره به اهمیت موضوع، مناطق را بخش‌های مهم سیاست بین‌الملل و حلقه اتصال دولت‌ها و ملت‌ها در سطوح کلان سیستم بین‌المللی معرفی کرد. او با اشاره به تجربه‌های همکاری تا همگرایی منطقه‌ای و شکل‌گیری جوامع امنیتی منطقه‌ای در اروپا، دانش «مطالعات منطقه‌ای» را یک حوزه‌ی غنی در ادبیات سیاسی-بین‌المللی قلمداد کرد. به بیان او جهانی شدن سبب شده این رویکرد بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

دبیر علمی همایش با اشاره به سابقه‌ی کوتاه تأسیس مراکز مطالعاتی در حوزه‌ی مطالعات منطقه‌ای ایران در دانشگاه‌های کشور، این همایش را گام نخست در جهت پیشبرد دانش مطالعات منطقه‌ای ارزیابی کرده، ابراز امیدواری کرد این تلاش مورد حمایت متخصصان و دست‌اندرکاران بخش‌های اجرایی کشور در حوزه‌های مختلف قرار گیرد. وی گفت: «برای ج.ا. ایران که با بیش از ۱۵ کشور همسایه است، رشته مطالعات منطقه‌ای و پژوهش در این حوزه بسیار اهمیت دارد؛ به ویژه آنکه در سند چشم‌انداز تبدیل ایران به قدرت درجه اول در منطقه جنوب غربی آسیا اشاره شده است. این امر نیازمند شناخت دقیق و عمیق کشورهای پیرامون و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فعال در آن است».

پس از سخنان دبیر علمی همایش، نشست اول با موضوع **بنیادهای نظری مطالعات منطقه‌ای** با مدیریت دکتر داوود آقایی استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران برگزار شد. ابتدا دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی مقاله‌ی خود را با عنوان «**تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی**» ارائه کرد. وی گفت منطقه‌گرایی به عنوان تجلی و نماد همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم شروع شد، ولی به تدریج این فرآیند در حوزه‌های جغرافیایی دیگر مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. وی هدف پژوهش خود را واکاوی تحول و تغییر در نظریه‌های منطقه‌گرایی در واکنش به تحول در فرآیند منطقه‌گرایی دانست، که بر اساس تحولات چهارگانه در ماهیت و انگیزه کارگزاران و جهت‌گیری و قلمروی منطقه‌گرایی دستخوش تغییر شده اند. وی خاطر نشان کرد که بر این اساس نظریه‌های منطقه‌گرایی در محورهای اروپازدایی یا غیراروپایی شدن نظریه‌های منطقه‌گرایی، غیر سرزمینی شدن جغرافیا و مناطق، معناگرایی نظریه‌های منطقه‌گرایی در برابر مادی‌گرایی، اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی در مقابل دولت‌ها، گسترش دامنه منطقه‌گرایی از مسائل صرف اقتصادی به حوزه‌های سیاسی و امنیتی و تلاش برای پردازش نظریه‌های گلچینی و تلفیقی جامع تحول یافته‌اند. برای تبیین تحولات یاد شده، نظریه‌های نوکارکردگرایی، نهادگرایی نولیبرال، نواقع‌گرایی، سازه‌نگاری، نظریه انتقادی و جهان‌گرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

سخنران بعدی دکتر بهاره سازمند استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد بود که مقاله‌ی خود تحت عنوان «**چارچوب نظری تحلیل همگرایی منطقه‌ای**» را ارائه کرد. وی اظهار داشت یکی از پدیده‌های مهم که به شکل‌گیری حوزه مطالعاتی خاص در روابط بین‌الملل منجر شده، همگرایی منطقه‌ای است. پس از تجدید حیات اقتصادی اروپا به دنبال جنگ جهانی دوم، موضوع اتحاد و همکاری میان واحدهای جداگانه سیاسی از اهمیت خاص برخوردار شد و نظریه پردازان مختلف با استفاده از تجربه بازار مشترک اروپا به ارائه مدل‌ها و فرضیه‌های جدید در این حوزه پرداختند.

از این دوران به بعد، موضوع همگرایی منطقه‌ای وارد حوزه روابط بین‌الملل شد و از دیدگاه‌های مختلف از جمله کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، فدرال‌گرایی و نظریه ارتباطات که همگی به مکتب لیبرالیسم در روابط بین‌الملل تعلق دارند، مورد مطالعه قرار گرفت. وی افزود در مقاله خود ابتدا به مفهوم همگرایی می‌پردازد. سپس با نگاه مقایسه‌ای جایگاه همگرایی منطقه‌ای در سه رهیافت واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. استدلال مقاله وی این بود که رهیافت سازه‌نگاری هم از منظر فرانظری هم از منظر نظری در

بررسی پدیده همگرایی منطقه‌ای، تداوم و یا انقطاع آن موفق‌تر از دو رهیافت واقع‌گرایی و لیبرالیسم است.

سپس نوبت به دکتر فرهاد قاسمی استادیار دانشگاه شیراز رسید که مقاله‌ی خود را با عنوان «نگرش شبکه‌ای و مطالعات منطقه‌ای در سیستم بین‌الملل نوین» ارائه کند. وی اظهار داشت یکی از مهم‌ترین تحولات سیستمی، تحول و تغییر شکل‌بندی نظام بین‌المللی از شکل ساده و سلسله‌مراتبی گذشته به شکل شبکه‌ای است. این تحول مرزهای سنتی نظام را تغییر داده و از این طریق حوزه نظری مطالعات منطقه‌ای را متحول ساخته است. در گذشته از بعد نظری مناطق از دو منظر درونی و بیرونی تعریف شده و از این راه در سیستم بین‌المللی نمودار می‌شدند.

اما این برداشت‌ها نمی‌توانند نظم منطقه‌ای را در نظامی که براساس ارتباطات شکل می‌گیرد، توضیح دهند. بنابراین، پرسش این است که چگونه می‌توان چنین نظامی را در حوزه‌ی منطقه‌ای تبیین کرد؟ باور بر این است که برداشت شبکه‌ای می‌تواند این ناکارآمدی را رفع کند. اصولاً رهیافت شبکه‌ای مجموعه روابط و پیوستگی‌های پایدار را در زمره‌ی عواملی می‌داند که جهان بر اساس آنها شکل گرفته و لایه‌بندی می‌شود. شبکه‌ها شکل‌بندی نوینی به مجموعه عناصر با ویژگی‌های زمانی و مکانی خاص می‌بخشند، که تا حدودی بازتاب انواع روابط ایجاد شده در شبکه بوده و چارچوب مشترک ارجاعی محسوب می‌شوند. از سویی سیستم‌های کنترل در قالب شبکه‌ای آن را از گذشته متمایز کرده و طراحی این سیستم‌ها مستلزم نظریه‌های نوین ناشی از رهیافت‌های شبکه‌ای است. وی افزود می‌خواهد رهیافت شبکه‌ای در مطالعات منطقه‌ای را تجزیه و تحلیل کرده و با توجه به اهمیت آن در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، کاربردهای آن به‌ویژه در طراحی سیستم کنترل منطقه‌ای ایران را مورد کنکاش قرار دهد.

دکتر محمدکاظم سجادیپور استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه دیگر سخنرانی بود که مقاله‌ی خود را با عنوان «مطالعات منطقه‌ای و سیاست بین‌المللی» ارائه کرد. وی اظهار داشت رشد مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی جهان در خلاء صورت نگرفته و رابطه‌ای مستقیم با واقعیت‌های مربوط به سیاست بین‌المللی دارد. نیازهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، در چند قرن گذشته که حوزه منافع قدرت‌ها در مناطق مختلف جهان گسترش یافته، اصلی‌ترین عامل رشد مطالعات منطقه‌ای بوده است. وی اشاره کرد بر اساس نگرش فوق، به تجزیه و تحلیل ماهیت اثرگذاری سیاست بین‌المللی بر تحول مطالعات منطقه‌ای، رابطه اولویت‌ها و تمرکزهای سیاست‌گذاری خارجی در مطالعات منطقه‌ای و آموزه‌های رابطه‌ی سیاست‌گذاری خارجی و مطالعات منطقه‌ای برای ایران می‌پردازد.

آخرین مقاله‌ی نشست اول با عنوان «جایگاه منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل پس از جنگ سرد» توسط دکتر داوود آقایی ارائه شد. وی اظهار داشت پایان جنگ سرد با کاهش روند تقابل نیروهای نظام دو قطبی و رشد منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل همراه بود. این روند بر ساختار قدرت و جهت‌گیری‌های سیاسی-اقتصادی و ماهیت بازی سیاسی در نظام بین‌الملل تأثیرهای بسیار داشت. در همان حال، پدیدار شدن مشکلات، ضعف‌ها و نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد جهانی، لزوم توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه را بیش از پیش به یک ضرورت مبرم و گریزناپذیر تبدیل کرده است. وی افزود نظریه-پردازان در مورد نظامی که پس از جنگ سرد بر روابط بین‌الملل حاکم است، اختلاف نظر دارند. برخی به وجود یک نظم یک قطبی با قدرت هژمونی آمریکا به عنوان ثبات دهنده و تضمین‌کننده امنیت و جریان تجارت آزاد اعتقاد دارند. در دیدگاه دیگر، نظم حاکم بر نظام بین‌الملل در قالب سیستم توازن قدرت ارزیابی می‌شود، که در این کنسرت آمریکا، اروپا، روسیه و چین می‌توانند ایفای نقش کنند.

این موضوع زمینه همکاری قدرت‌های بزرگ را در حل مسائل کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. مدل دیگر مورد نظر تحلیلگران مسائل بین‌المللی، منطقه‌گرایی است. به عقیده این صاحب نظران، ظهور مجدد گرایش‌های منطقه‌گرایی، ساختار نظام بین‌الملل را به سوی گسترش همکاری‌ها و چگونگی دستیابی به سازوکارها، ترتیبات و نهادهای منطقه‌ای سوق داده است. وی ضمن ارزیابی و نقد نظریه‌های مطرح شده در این زمینه، عوامل متعدد مرتبط با منطقه‌گرایی جدید مانند پایان جنگ سرد، روابط نوین تجاری، جهانی شدن سیاست، اقتصاد و فرهنگ، حرکت در جهت توسعه اقتصادی و گرایش به دموکراسی و حقوق بشر و ضرورت فراهم آوردن سازوکارهای همکاری‌جویانه منطقه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

نشست دوم به موضوع آموزش و پژوهش مقایسه‌ای مطالعات منطقه‌ای اختصاص داشت و با ابراز کسالت دکتر محسن خلیلی استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، با مدیریت دکتر ماندانا تیشه‌یار برگزار شد. در این نشست ابتدا دکتر حاکم قاسمی استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی مقاله‌ی خود با عنوان «منطقه‌گرایی، گریز از ملی‌گرایی و آمادگی برای جهان‌گرایی» را ارائه کرد. وی اظهار داشت منطقه‌گرایی در زمان استقرار نظام دولت-ملت و در شرایطی که ملی‌گرایی گفتمان غالب و مسلط در جهان بود، ظهور و رشد کرد. یکی از اهداف دولت‌ها برای غلبه بر تهدیدهای ناشی از تندروی‌های ملی‌گرایانه و جلوگیری از آثار زیانبار آن، تلاش برای دستیابی به همکاری بود. وی افزود منطقه‌گرایی در شرایطی در جهان رشد کرد و فراگیر شد که در اثر ظهور فرآیند جهانی شدن، جهان‌گرایی گسترش زیادی یافته بود. در این حال، دولت‌ها با تکیه بر گرایش منطقه‌گرایی در پی مقابله با آثار منفی ملی‌گرایی، کوشیدند خود را

با فرآیند جهان‌گرایی تطبیق دهند. جهان‌گرایی و گسترش آن در سطح جهان، پیامدهایی را به همراه داشت که دولت‌های ملی به صورت فردی امکان کنار آمدن با آن را نداشتند. از این رو با شکل دادن به همکاری‌های منطقه‌ای کوشیدند با کمک گرفتن از یکدیگر و بکار گرفتن امکانات جمعی منطقه‌ای در مقابل پیامدهای جهان‌گرایی به هم‌گرایی برسند. وی افزود اگر ما جهان‌گرایی را به عنوان یک فرآیند مد نظر قرار دهیم، منطقه‌گرایی مقدمه و پیش‌زمینه‌ای برای جهان‌گرایی است. با این دیدگاه، منطقه‌گرایی تلاشی است که در سطحی فراملی اما محدودتر از سطح جهانی در میان کشورهای مختلف به وقوع پیوسته است، تا راه برای شکل دادن به همکاری‌های جهانی هموار شود. او در مقاله خود به بررسی جایگاه و رهیافت منطقه‌گرایانه میان دو رهیافت ملی‌گرایی و جهان‌گرایی پرداخت.

سپس آقای شمس ... عظیمی مقاله‌ی خود را تحت عنوان «مطالعه‌ی تطبیقی ساختار آموزشی رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه‌های ایران و آمریکا» ارائه کرد. وی اظهار داشت مطالعات منطقه‌ای به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی و به منظور شناخت اختصاصی یک منطقه از مناطق جهان از نظر جغرافیایی و انسانی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. در این راستا، به دلیل جدید بودن این رشته در مقطع تحصیلات تکمیلی، این مقاله به دنبال آن بود که ساختار آموزشی این رشته از لحاظ ظرفیت دانشگاه‌ها، اساتید متخصص مناطق، محتوای درس‌ها و شیوه‌های آموزش را در مقایسه با دانشگاه جرج تاون آمریکا بررسی کند.

دکتر ماندانا تیشه‌یار سخنران بعدی نشست بود که مقاله‌ی خود را با عنوان «مطالعه‌ی تطبیقی تدریس رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای در جنوب و شرق آسیا» ارائه کرد. وی اظهار داشت رشته تحصیلی مطالعات منطقه‌ای در سال‌های اخیر بواسطه توجه به تخصصی شدن موضوع‌های مورد مطالعه در عرصه روابط و سیاست بین‌الملل و لزوم شناخت و بررسی متمرکز در زمینه مسائل ویژه مربوط به مناطق مختلف جهان، با اقبال چشمگیر مواجه شده است. وی در مقاله‌اش تلاش کرد با بررسی تطبیقی شیوه‌ی آموزش رشته مطالعات منطقه‌ای در چهار کشور آسیایی - چین، کره جنوبی، ژاپن و هندوستان - جایگاه این رشته تحصیلی در میان مراکز دانشگاهی آسیایی و شیوه‌های تدریس درس‌های مربوطه را مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا، از میان دانشگاه‌های مختلف، چهار دانشگاه - دانشگاه پکن، دانشگاه ملی سنول، دانشگاه بین‌المللی ژاپن در توکیو و دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی - که بخشی از فعالیت‌های علمی خود را به بحث مطالعات منطقه‌ای اختصاص داده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفتند. وی سرفصل‌ها و دروس تعیین شده در زیر این عنوان مطالعاتی در هر یک از مراکز علمی فوق را بررسی کرد. سپس شیوه آموزش این رشته در این چهار دانشگاه را به طور اجمال ارائه کرد.

پس از آن نوبت به دکتر محسن خلیلی استادیار دانشگاه فردوسی رسید که مقاله‌ی خود را با عنوان «نظام حقوق اساسی مقایسه‌ای و دانش مطالعات منطقه‌ای» ارائه کند. وی گفت دانش مطالعات منطقه‌ای به بررسی ستیزش، جنگ، بحران، همکاری و همگرایی در میان کشورهای واقع در یک منطقه می‌پردازد. بررسی ویژگی‌های کشورهای موجود در یک منطقه، نیازمند الگو می‌باشد. او «طرحواره بررسی مقایسه‌ای نظام حقوق اساسی منطقه‌ای» را برای شناخت کشورهای یک منطقه پیشنهاد کرد. وی افزود حقوق اساسی شاخه‌ای از حقوق عمومی است که درباره پیوندهای میان دستگاه قدرت سیاسی و افراد به عنوان فرمانبران قدرت بحث می‌کند.

حقوق اساسی مقایسه‌ای شعبه‌ای خاص از حقوق اساسی است که در آن، به همانندی و ناهمانندی سیستم‌های برآمده از قوانین اساسی کشورهای گوناگون پرداخته می‌شود. برای گزینش کشورهایی که حقوق اساسی آنها موضوع بررسی مقایسه‌ای قرار می‌گیرند، سه معیار داریم: گزینش کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی واقع شده‌اند؛ گزینش کشورهایی که دارای ویژگی‌های مشترک فرهنگی، تاریخی، زبانی و نژادی هستند؛ گزینش کشورهایی که به سبب اجرای صحیح قانون اساسی، ثبات حکومت و ممارست ذهنی و عینی در اجرای اصول یک قانون اساسی مکتوب، از نظام حقوق اساسی ثابتی بهره‌مند می‌باشند. در این الگوی پیشنهادی باید ده موضوع رژیم سیاسی و نظام حکومتی، وضع تفکیک قوا، حدود و منشأ اقتدار قوه مقننه، حدود و منشأ اقتدار قوه مجریه، حدود و منشأ اقتدار قوه قضاییه، نظام‌های حزبی، انتخاباتی، حقوق اساسی فردی، آزادی‌های عمومی مدنی، نهادهای حکومتی، حفاظت از قانون اساسی، شیوه تجدیدنظر در قانون اساسی و شکل کلی ساختار نظام سیاسی - حقوقی را به صورت جداگانه در مورد هر کشور و سپس تمامی آنها را به شیوه‌ای تطبیقی مورد بررسی قرار داد.

آخرین مقاله‌ی نشست دوم با عنوان «بررسی وضعیت رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای آفریقا در ایران» توسط دکتر احمد بخشی استادیار دانشگاه تربیت مدرس ارائه شد. وی اظهار داشت رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای دارای سابقه‌ی طولانی می‌باشد و در بسیاری از دانشگاه‌ها به صورت تخصصی به امر پژوهش در این مورد می‌پردازند. پیش از جنگ جهانی دوم این‌گونه مطالعات بیشتر جنبه ادبی و تاریخی داشت، اما پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه در دوران جنگ سرد حوزه سیاسی در این مطالعات پررنگ شد. اگرچه این رشته در ایران نیز دارای سابقه می‌باشد، اما به صورت تخصصی و منطقه‌ای به آن توجه نمی‌شد. نیاز روزافزون به تربیت نیروی انسانی، به ویژه کادر دیپلماتیک و تخصصی‌شدن رشته‌های علوم انسانی، جهانی شدن و مانند آن، از دلایل ضرورت توجه به این رشته است. این رشته دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است

که مقاله وی درصدد پرداختن به برخی از آنها در دو بخش کلان مانند بین رشته‌ای بودن، جغرافیایی بودن رشته با توجه به واژه منطقه و بخش خرد مانند عدم توجه به دروس پایه‌ای رشته در دوره ی کارشناسی، اختیاری بودن دروس، کمبود نیروی انسانی برای آموزش دوره، نیاز اندک سازمان‌های مرتبط به این رشته، راه‌اندازی دوره‌های مشابه در سازمان‌های مرتبط، ایجاد دانشکده، رشته و گروه مرتبط با اعتماد به نیروی فارغ‌التحصیل دانشگاه به علت عدم مطالعه میدانی مرتبط با رشته و مانند آن است. هدف دیگر این مقاله پرداختن به موانع، فراز و نشیب‌ها و فرصت‌های ناشی از ایجاد رشته مطالعات منطقه‌ای در گسترش روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به طور عام و در موضوع مطالعات آفریقا به عنوان یک گرایش که از آن غفلت شده، به صورت مطالعه موردی و خاص می‌باشد.

نشست سوم همایش مطالعات منطقه‌ای با عنوان **تحولات در محیط منطقه‌ای ایران** با مدیریت دکتر حمید احمدی استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. ابتدا دکتر احمد نقیب زاده استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران مقاله‌ی خود را با عنوان «**ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای**» ارائه کرد. وی اظهار داشت ایران در مرکز چند زیرسیستم منطقه‌ای قرار دارد که عبارتند از: منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوب غربی و حوزه خلیج فارس. رابطه‌ی ایران با هر یک از این مجموعه‌ها به زمینه‌ی خاصی بر می‌گردد که ریشه‌ی آن در انبان تمدن ایرانی قرار دارد. در صورت تنظیم رابطه با هر یک از این مناطق بر پایه واقعیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از یک سو و تلاش برای شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، ایران به عنوان کانون یا منطقه اتصال این زیرسیستم‌ها، به قدرتی بی‌بدیل دست خواهد یافت. البته جهت‌گیری‌های ایران در هر یک از این مناطق ممکن است در مخالفت با الزامات رابطه با منطقه‌ی دیگر قرار گیرد که رفع آن بر عهده یک دیپلماسی فعال خواهد بود. وی افزود این مقاله از دو قسمت نظری و موردی یا موضوعی تشکیل شده است که با یکدیگر منطبق می‌شوند. ابتدا زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری یک زیرسیستم مشخص خواهند شد و پس از آن به تفاوت‌هایی که ممکن است ساختار هر یک از مناطق نام برده پیدا کنند و حتی در تضاد و تعارض با یکدیگر باشند، اشاره می‌شود.

سپس دکتر فرهاد عطایی استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به‌عنوان دومین سخنران به ارائه مقاله‌ی خود با عنوان «**قفقاز جنوبی و قدرت‌های ورامنطقه‌ای**» پرداخت. وی گفت در گذشته منطقه قفقاز که بین سه امپراتوری بزرگ ایران، روسیه و عثمانی واقع شده بود، از اهمیتی خاص برخوردار بود و هر قدرتی بر این منطقه مسلط بود، موقعیت راهبردی برتری بر دیگران می‌یافت. امروزه این منطقه نه تنها برای روسیه و ترکیه و ایران حائز اهمیت است، بلکه ناتو و جامعه اروپا نیز در این منطقه منافع حیاتی برای خود می‌بینند.



کوشش روسیه برای سلطه و نفوذ خود در منطقه، همسایگی اروپا با قفقاز، برنامه گسترش ناتو به قفقاز و طرح مشارکت برای صلح، تلاش گرجستان برای پیوستن به ناتو، ملاحظات ترکیه در مسأله قره باغ و نگرانی‌های ایران از حضور نظامی آمریکا در منطقه، قفقاز جنوبی را به صحنه رقابت و رویارویی قدرت‌های خارجی تبدیل کرده است. وی افزود به اعتقاد وی از میان قدرت‌های خارجی، ابتکار عمل در دست روسیه از یک سو و ناتو و جامعه اروپا، از سوی دیگر است. ایران و ترکیه قدرت عمل محدودتر در منطقه دارند و از حاصل رویارویی آن دو منتفع یا متضرر می‌شوند. به هر حال، به نظر می‌رسد که رویارویی قدرت‌های خارجی و منازعه‌های خاموش و فعال منطقه قفقاز جنوبی در میان مدت از میان نخواهد رفت. در پایان ضرورت هدایت بحران‌ها و مهار کردن اثرات آن در این منطقه مطرح شد.

دکتر حمید احمدی به عنوان سخنران بعدی مقاله‌ی خود را با موضوع «پان ترکیسم و آسیای مرکزی» ارائه کرد. وی اظهار داشت هدف پژوهش وی، بررسی تأثیر ایدئولوژی پان ترکیسم در آسیای مرکزی است. به بیان او فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بار دیگر امید نظریه‌پردازان و استراتژیست‌های پان ترکیسم را، که پس از جنگ دوم در رابطه با پیشبرد پروژه برپایی یک امپراتوری ترک زبان در مناطق جنوبی شوروی دچار سرخوردگی و ناامیدی شده بودند، زنده کرد. وی افزود این پژوهش با توجه به آرمان‌های پان ترکی در سیاست خارجی ترکیه و تلاش‌های پانزده ساله اخیر سیاستمداران و نخبگان فکری این کشور برای پیشبرد پروژه پان ترکیسم و اتحاد جمهوری‌های آسیای مرکزی، پیامد این تلاش‌ها و تأثیرهای آن در آسیای مرکزی در نهایت واکنش کشورهای منطقه را به آرمان‌های پان ترکی تجزیه و تحلیل می‌کند. فرضیه اساسی مقاله او آن بود که برخلاف ایده‌های اولیه، پان ترکیسم در ابعاد سیاسی خود پیشرفت چندانی نکرده و این مسأله ترکیه و سیاستمداران آن را دچار تردید کرده است. با این همه ترکیه در عرصه‌ی انتقادی و فرهنگی همچنان به پروژه امپراتوری‌سازی آینده، امیدوار است.

سپس نوبت به دکتر ابراهیم متقی دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران رسید که مقاله‌ی خود را با عنوان «موازنه‌گرایی و ثبات خلیج فارس» ارائه کند. وی اظهار داشت شکل‌گیری ثبات در نظام‌های منطقه‌ای تحت تأثیر کنش نیروهای مختلف ایجاد می‌شود. در هر دوران تاریخی و ساختاری، برخی از نیروهای تأثیرگذار بر ثبات و تعادل منطقه‌ای از اهمیت بیشتر برخوردارند. کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس برای تأمین امنیت منطقه‌ای خود همواره با «معمای توافق» روبرو بوده‌اند. در دوران نظام دو قطبی، قدرت‌های بزرگ تلاش داشتند تا امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس را از طریق موازنه قدرت پیگیری کنند. اما در شرایط جدید الگوی موازنه منطقه‌ای نمی‌تواند از طریق «تعادل قدرت» بین بازیگران ایجاد شود. همان‌گونه-

ای که بازدارندگی تأثیر خود را در روابط استراتژیک از دست داده است، ثبات منطقه‌ای نیز از طریق الگوی موازنه قدرت میسر نخواهد شد. در دوران جدید (۲۰۰۹-۲۰۰۳) روندهای نوینی در ارتباط با «جنگ پیش‌دستانه» و هم‌چنین «مقاومت نامتقارن» به وجود آمده است. ایالات متحده برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای خود تمایلی به فرآیند موازنه قوا احساس نمی‌کند. وی در ادامه اشاره کرد شاخص‌های محیط منطقه‌ای نشان می‌دهد که جلوه‌هایی از بی‌ثباتی و عدم تعادل ادامه خواهد یافت. نشانه‌های تداوم چنین فرآیندی را می‌توان در استقرار «نیروهای فرماندهی مرکزی آمریکا»، افزایش تحرک استراتژیک نیروهای نظامی ایالات متحده به شکل-گیری پیمان‌های دفاعی در منطقه و هم‌چنان افزایش گفتمان‌های تعارض‌آمیز در محیط منطقه-ای دانست. به موازات چنین نشانه‌هایی، فرآیند «مقاومت نامتقارن» در منطقه توسط ایران ادامه خواهد یافت. این الگو در سال ۲۰۰۶ در لبنان و در دسامبر ۲۰۰۸ در نوار غزه شکل گرفته است.

در پایان این نشست دکتر احمد دوست محمدی استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران به عنوان آخرین سخنران به ارائه مقاله‌ی خود با عنوان «صهیونیسم و ناامنی در خاورمیانه» پرداخت. وی اظهار داشت موقعیت خاورمیانه، آن را به یک حلقه تعیین‌کننده در شبکه‌ی ارتباطی‌ای که اروپای غربی و شرقی را به شرق آفریقا، شبه قاره هند، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، شرق دور و استرالیا متصل می‌کند، تبدیل کرده است. به علاوه سه دین بزرگ توحیدی جهان، یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت، همگی در این منطقه ریشه داشته و مقدس-ترین اماکن دینی آنان در آن قرار دارند. نفت نیز که به‌عنوان منبع حیاتی تأمین انرژی غرب صنعتی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید، به میزان بسیار زیادی از این منطقه صادر می‌شود و این خود اهمیت منطقه را دو چندان کرده است.

مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین موضوع مطالعاتی در این منطقه، مسئله فلسطین است. سرزمین فلسطین خود در این منطقه از جایگاه و اهمیت بی‌نظیری برخوردار است. نویسندگان تاریخ خاورمیانه، فلسطین را «چهار راه جهان» نام نهاده‌اند. امروزه این سرزمین به دلیل حاکمیت رژیم صهیونیستی اسرائیل بر آن، که فاقد مشروعیت در بین ملت‌های مسلمان منطقه است، به نقطه اصلی کشمکش‌های بین دو تمدن بزرگ اسلام و غرب تبدیل شده و به نقطه‌ی بحرانی و تعیین‌کننده‌ی نزدیک شده است. وی افزود فرضیه مقاله‌اش آن است که این بحران ریشه در آموزه‌های صهیونیسم، یعنی آموزه‌های قوم‌برگزیده و سرزمین موعود، که خود برگرفته از آموزه‌های تورات تحریف شده موجود، تلمود و پروتکل‌های زعمان صهیون می‌باشد، دارد. لذا، برای درک درست مشکل اصلی خاورمیانه، لازم است ابتداء صهیونیسم را به درستی بشناسیم و به مبانی اندیشه‌های آن پی ببریم.

چهارمین و آخرین نشست همایش محسوب می‌شد با عنوان سیاست منطقه‌ای ایران و مدیریت دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست ابتدا دکتر سید محمد موسوی استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران مقاله‌ی خود را با عنوان «روابط ایران و آمریکای لاتین در سایه‌ی سیاست تغییر اوپاما» ارائه کرد. وی اظهار داشت با وجود تمایل ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به گسترش روابط همه‌جانبه با کشورهای آمریکای لاتین، این روابط عمدتاً به حوزه اقتصادی و آن هم تجارت کالاهایی مورد نیاز ایران محدود شده است. روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین نیز با ظهور دولت‌های چپ جدید در ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه، برزیل، آرژانتین و شیلی در آن منطقه و انتخاب دولت احمدی نژاد گفتمان جدیدی در روابط بین دو کشور ایجاد کرد. از سوی دیگر تشدید مقابله همه‌جانبه آمریکا علیه ایران، به دولت احمدی نژاد فرصت داد تا در سیاست خارجی خود موضع تهاجمی گرفته و به دنبال یارگیری هر چند ضعیف منطقه‌ای در آمریکای لاتین با هدف خنثی نمودن تهدیدهای نظامی و امنیتی آمریکا علیه منافع ملی ایران باشد.

وی افزود به نظر می‌رسد که روی کار آمدن باراک اوپاما به عنوان رئیس جمهور آمریکا با اعلام سیاست فاصله گرفتن از سیاست‌های خصمانه بوش در سیاست خارجی و شعار «تغییر»، می‌تواند در روند فوق تغییر ایجاد کند. مقاله به این بحث می‌پردازد که «گفتمان انقلابی» محور روابط کنونی ایران و آمریکای لاتین است و روابط رو به گسترش اقتصادی و تجاری موجود نیز محصول این گفتمان است. از سوی دیگر در صورت تحقق «تغییر رویکرد» آمریکا در دوره اوپاما، انگیزه‌های مشترک این گفتمان در دولت‌های آمریکای لاتین جهت همسویی با ایران کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تغییر رویکرد آمریکا نسبت به ایران، وحدت رویه جبهه‌سازی کنونی ایران علیه آمریکا دچار خدشه خواهد شد.

دومین سخنران این نشست دکتر کیهان بزرگر استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات بود که به ارائه مقاله‌ی خود با عنوان «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران» پرداخت. وی اظهار داشت بعضی از دیدگاه‌های موجود ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در ایران را به گونه‌ای می‌دانند که هر گونه ائتلاف و همکاری سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را در سطح منطقه‌ای دشوار می‌سازد. وی افزود به اعتقاد وی تغییر و تحولات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک در سطح منطقه خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، جایگاه منطقه‌گرایی را در سیاست خارجی ایران تقویت کرده است. در اصل ارزش استراتژیک و نقش ایران در تقویت مؤلفه‌های منطقه‌ای به مؤلفه‌هایی نظیر دولت ملی قوی، هویت ژئوپلیتیک و ایدئولوژی پویای شیعی مرتبط است. از این لحاظ، وی ابتدا به تعریف دو مفهوم «منطقه‌گرایی سنتی» و

«منطقه‌گرایی جدید» در رویکردهای سیاست خارجی ایران پرداخت که هر یک با نگاهی متفاوت سعی در تأمین منافع و امنیت ملی ایران دارند. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید با بازتعریف مؤلفه‌های قدرت ملی خود در سطح منطقه‌ای، به حل دشواری‌های استراتژیک سیاسی - امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا بپردازد و از آن طریق روند تثبیت فرصت‌های اقتصادی و توسعه پایدار را به جریان بیاورد.

دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند دیگر سخنرانی بود که مقاله‌ی خود را با عنوان «رویکرد منطقه‌ای در روابط ایران با اروپا در سند چشم‌انداز» ارائه کرد. وی اظهار داشت ایران به مثابه بازیگری منطقه‌ای همواره تلاش کرده نقشی فعال در تحولات جهانی و پیرامونی داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در سه دهه حضور خود در عرصه سیاست بین‌الملل به فراخور گفتمان حاکم بر جهان و رهیافت‌های حاکم داخلی، رفتار خارجی تنظیم کرده است. چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران با سه هدف عمده: تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل و برخورداری از هویت اسلامی، صورتی تعدیل یافته و ساختارمند مبتنی بر تجربیات ایران در سه دهه‌ی بعد از انقلاب را به نمایش می‌گذارد.

با توجه به روابط پرفراز و نشیب سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی در طول سه دهه‌ی بعد از انقلاب اسلامی، ضرورت اتخاذ رویکردی منطقه‌ای نسبت به این کشورها بویژه با بازیگران متنفذ این منطقه در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ ضرورتی اجتناب ناپذیر خوانده شد. رهیافت اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر فعال، سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا در امور تجاری، سیاسی، سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی از اهمیت ویژه برخوردار است. وی در پایان به موانع و مشکلات رویکرد منطقه‌گرایی نسبت به اروپا از منظر سند چشم‌انداز و ارائه راهکارهای کارآمد برای سیاست خارجی ایران در این حوزه‌ی جغرافیایی در یک چارچوب نظری براساس دیدگاه‌های منطقه‌گرایی اشاره کرد.

سپس نوبت به دکتر نوذر شفیعی استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان رسید که مقاله‌ی خود را با عنوان «ایران و جنوب آسیا، ملاحظات و راهبردها» ارائه کند. وی اظهار داشت اگرچه تا چند دهه پیش، منطقه جنوب آسیا همچون مناطقی مثل آفریقا یا آمریکای لاتین تحت‌الشعاع مناطقی مثل اروپا، آمریکای شمالی و حوزه آسیا پاسیفیک قرار گرفته بود و در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان کمتر مورد توجه بود، اما اینک این منطقه به یکی از حساس‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است. وجود دو قدرت اتمی (هند و پاکستان)، رادیکالیسم اسلامی که از نظر غرب تروریسم خوانده می‌شود، رشد اقتصادی سریع، جمعیت زیاد و ... اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه را افزایش داده است. به همین دلیل امروز اغلب قدرت‌های مهم به نوعی توجه خود را به منطقه جنوب آسیا معطوف کرده‌اند. نظر به این که

جمهوری اسلامی ایران در همسایگی این منطقه قرار دارد، این منطقه به دلایل مختلف باید در سیاست خارجی ایران جایگاهی برجسته پیدا کند. الگوهای ارتباط جمهوری اسلامی ایران با این منطقه را می‌توان به صورت الگوی کشور محور، الگوی منطقه‌محور، الگوی فرامنطقه‌ای ذکر کرد. وی افزود تشریح و تبیین مختصر الگوی تعاملی «کشور محور» و ملاحظات و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با این الگو هدف اصلی مقاله‌اش است.

آخرین سخنران این نشست دکتر محمدحسین حافظیان استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج بود که مقاله‌ی خود را با عنوان «ایران و روندهای آینده خاورمیانه» ارائه کرد. وی اظهار داشت منطقه خاورمیانه یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان است که برخلاف بسیاری دیگر از مناطق در حال توسعه جهان، همچنان نزدیک به دو دهه پس از پایان جنگ سرد کشمکش‌های منطقه‌ای هنوز در آنجا به پایان نرسیده است. تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در این منطقه به ویژه مشکلات جدی که آمریکا در مدیریت امور خاورمیانه با آن روبرو است، وضعیتی را پدید آورده است که می‌توان پیش‌بینی کرد که روند افول نفوذ آمریکا در این منطقه آغاز شده و احتمالاً در یک دهه‌ی آینده آمریکا تنها عامل فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر منطقه نخواهد بود. همین امر فضایی را برای نقش آفرینی بیشتر ایران در منطقه به عنوان جایگزینی برای قدرت آمریکا فراهم خواهد آورد.

اما از چالش‌هایی که در دهه‌ی آینده ایران در خاورمیانه با آن روبرو خواهد شد می‌توان به رشد اقتصادی چشمگیر در کشورهای اشاره کرد که با اتخاذ نظام اقتصادی بازار آزاد و ادغام در اقتصاد جهانی، توانسته‌اند خود را از لحاظ اقتصادی به عنوان قدرت‌هایی در حال ظهور معرفی کنند. این در حالی است که تداوم سیاست‌های اقتصادی دولت گرایانه و اتکای صرف بر درآمدهای نفتی در حالی که سرمایه‌گذاری خارجی کافی برای افزایش سطح تولید نفت در ایران به خاطر تحریم‌های ایالات متحده علیه صنایع نفت و گاز ایران صورت نمی‌گیرد، می‌تواند موجبات انزوای اقتصادی ایران را در منطقه فراهم آورد.

پایان همایش به جمع‌بندی دبیر علمی همایش اختصاص داشت. در این بخش دکتر الهه کولایی با تشکر از سخنرانان و شرکت‌کنندگان در همایش، به جمع‌بندی سخنرانی‌های ارائه شده پرداخت. وی با اشاره به حجم بالای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در کشورهای مختلف جهان در حوزه مطالعات منطقه‌ای و نیازهای کشور به آموزش و پژوهش در این زمینه، ابراز امیدواری کرد این گام در مسیر غنای علمی این حوزه و تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع شود.